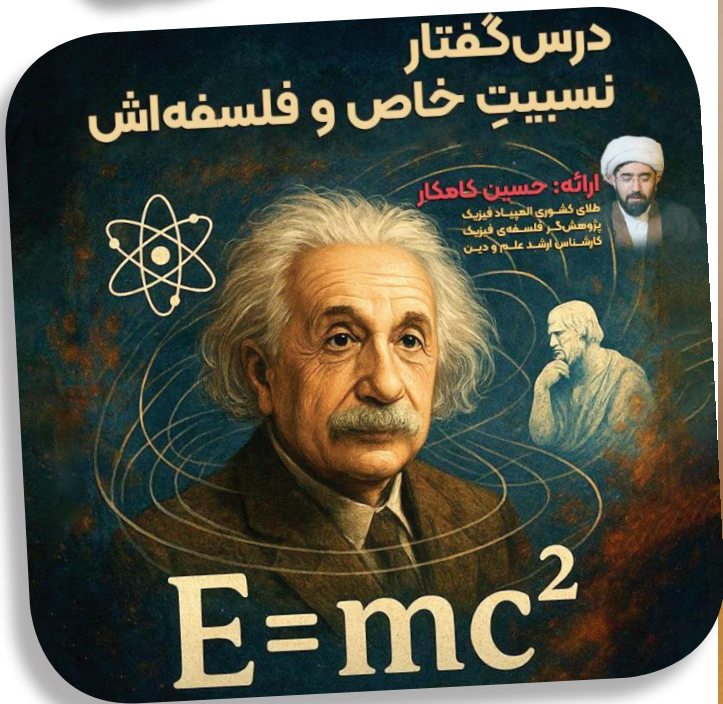




داشتند. البته گاه از سوی برخی مراکز حوزوی، سویه‌های نقد هم مطرح شده ولی برآیند کلی به‌خصوص در سویه دانشگاهی و نخبگانی مثبت بوده است.

شکوه فیزیک نشانه‌ای از حق تعالی است

چرا خیلی از فیزیک دانان خدا پرست شدند؟

این که فیزیک دانان خدا پرست بشوند بسیار طبیعی است، چرا که فیزیک دان از رهگذر کشف نشانه‌های خداوند در آسمان ها و زمین و در ک شکوه و زیبایی آن‌ها می‌تواند به شناخت خداوند و عظمت او پی ببرد. سؤالی که بیشتر جادار دیر سیده بشود این است که چگونه برخی از فیزیک دانان خدا پرست نشدند! تاریخ فیزیک هم نشان می‌دهد که بسیاری از فیزیک دانان بر جسته و تحول آفرین، چقدر دل مشغولی الهیات و خدا را داشتند. کسانی مثل نیوتن، کپلر، بویل، فارادی، ماکسول، اینشتین، پلانک، هایزنبرگ، آدینگتون و شکوه فیزیک و حیرتی که در زیبایی قوانین بنیادین جهان است هم نشانه‌ای برای حق تعالی است.

تبیین شیرینی تعالیم قرآن

به‌عنوان معلم پرورش‌ی‌چطور نوجوانان امروزی را به سمت معنویت جذب می‌کنید؟

من سعی می‌کردم اولاً بر پاسخ به نیازهای شناختی دانش آموزان نخبه‌تمرکز کنم و ثانیاً در ترویج معارف اسلام، بیش از هر چیز بر قرآن کریم و در بین مناسک بیش از هر چیز بر اقامه نماز تأکید داشته باشم. باور دارم که قرآن کریم مهم‌ترین گنجینه‌ای است که یک مبلغ اسلام در اختیار دارد و اگر بتواند شیرینی و جذابیت بهره‌مندی از تعالیم قرآن را به جوانان بچشاند، مهم‌ترین رسالت تبلیغی خود را انجام داده است.

بهترین مسیر برای پاسخ به شبهات

به‌نظر شما بهترین مسیر برای پاسخ به شبهات نسل جدید چیست؟

به‌نظر من بهترین مسیر برای پاسخ به شبهات نسل جدید آن است که مبلغ اسلام ابتدا خود یک سلوک فکری ژرف را تجربه کرده باشد، به این صورت که گوشه‌دو فکر باشد و روحیه آزاداندیشی داشته باشد، این یعنی آمادگی رویارویی با حقایق جدید و پذیرش آن‌ها و تغییر نظر در باورهای قبلی اش را داشته باشد و هر زمان که حقیقت جدیدی یافت آن را در آغوش بگیرد، بعد به جای مطالب‌سست و احادیث نامعتبر و مناسک بدعت‌آمیز، بر قرآن کریم و احادیث معتبر و نقل‌های پاک و سالم تاریخی تکیه کند، با علوم و مثل فیزیک یا زیست‌شناسی یا عصب‌شناسی یا علوم انسانی یا ... آشنا باشد و بتواند با متخصصان این زمینه‌ها دیالوگ داشته باشد، از طرفی با فلسفه معاصر و تحولات فلسفی (به‌خصوص از نیمه دوم قرن بیستم به بعد) آشنا باشد. بسیاری از مبلغان ما با فلسفه غرب آشنایی ندارند و یا آشنایی آن‌ها به فیلسوفانی چون دکارت و کانت که سده‌ها با مافاصله دارند، محدود می‌شود. پژوهشگران ما باید بتوانند تدریجاً فلسفی جهان را دنبال کنند و از آثار جدید بهره‌مند شوند.

الزاماتی برای روحانیون امروزی

فکر می‌کنید ورود یک روحانی به این مسیر باعث کاهش شبهات نسل جدید در مباحث دینی می‌شود؟

من فکر می‌کنم روحانیون امروز اگر می‌خواهند به شبهات بپردازند حتماً لازم است با علم و فلسفه روز آشنا بشوند و مقصودم از آشنایی، برنامه‌ریزی جدی برای یادگیری این علوم است. اگر یک روحانی بر این اساس با ذوق و فهم خوب و با عقل و ادب و مطالب متفن و مستند سخن بگوید حتماً می‌تواند پاسخ‌گوی خوبی به شبهات نسل جدید باشد. این مسئله البته در اصل مسئله‌ای است که مدیران حوزه‌های علمیه و سیاست‌گذاران آن‌ها باید اهمیت آن را در ک کنند و بایک رویکرد گوشه‌دو آزاداندیشانه، پای تدریس علوم روز را به حوزه‌های علمیه باز کنند.



از طلای المپیاد فیزیک تا مناظره‌های جذاب

گپ و گفتی با حسین کامکار، روحانی جوانی که بعد از کسب مدال طلای المپیاد فیزیک سراغ طلبگی رفته و با تسلط جالب در هر دوز مینه مناظره‌های دیدنی و پر محتوایی را بر گزار می‌کند



فائزه مهاجر | روزنامه‌نگار

اگر اهل تماشای مناظره‌های علمی در یوتیوب باشید حسین کامکار را می‌شناسید؛

روحانی جوانی که مدال طلای المپیاد فیزیک گرفته، مدرس المپیاد است و رتبه یک کنکور ارشد فلسفه علم. او در دانشگاه شریف مهندسی برق خوانده است و با تسلط جالبی که به مباحث علمی و دینی دارد، این روزها در مناظره‌ها شرکت می‌کند و تلاش دارد با رویکردی علمی و دقیق از مباحث دینی دفاع کند. سبک جالب او در مناظره‌ها شامل طمانینه زیاد در مواجهه با مخالفان، حوصله و تسلط بر مباحث مختلف، او را بسیار متمایز کرده است. بنا به این که او هم روحانی است، هم برق و فیزیک خوانده، سراغش رفتیم تا به کنج‌های مان درباره خودش پاسخ دهد.

فیزیک جذاب و دوست‌داشتنی

چه شد که فیزیک را انتخاب کردید و مدال طلای المپیاد گرفتید؟

فیزیک برای من جذاب و دوست‌داشتنی بوده و هست. من از دوره دبیرستان که در کلاس‌های المپیاد فیزیک شرکت کردم تا همین حال حاضر همیشه به یادگیری فیزیک علاقه داشته‌ام. انگیزه‌های اولیه من صرفاً جذابیت فیزیک بود، اما الان انگیزه‌های بیشتری برای یادگیری فیزیک دارم، چون فکر می‌کنم آشنایی با نظریه‌های فیزیک بخش مهمی از یک نظام جهان‌بینی است که با مسئله‌های زیادی از الهیات گرفته تا متافیزیک ارتباط دارد.

دوست خردمند تاثیرگذار تر از مدال طلاست

کسب مدال طلا چه تأثیری بر دیدگاه شما نسبت به زندگی و جهان داشت؟

مطمئن نیستم که کسب مدال طلا بر دیدگاه من تأثیر خاصی داشته باشد. البته کسب مدال بر زندگی من از خیلی نظر هاموثر بوده، مثلاً در مسیر انتخاب شغلی، من نزدیک دوده‌است که دبیر المپیاد فیزیک هستم و بی‌تردید مدال هم به عنوان بخشی از رزومه من در این مسئله موثر بوده، اما تأثیر خاصی بر دیدگاه من نسبت به زندگی و جهان نداشته است. موفقیت‌ها و شکست‌ها در پدیده‌هایی مثل المپیاد آن قدر عمیق نیستند که در کلیت باورهای شخص موثر باشند. امور بسیار دیگری در زندگی هستند که در دیدگاه‌های ما بسیار موثر ترند، مثل مواجه شدن با یک عالم حکیم، یا پیدا کردن یک دوست خردمند یا حتی خواندن یک کتاب.

به‌خاطر معلم فیزیکم طلبه شدم

چه باعث شد مسیر طلبگی را انتخاب کنید و باز خود را خانواده و دوستان به این تصمیم چطور بود؟

جرعه اولیه این فکر در دوره دبیرستان در ذهن من ایجاد شد، وقتی یکی از معلمان فیزیکم را دیدم که پس از ارشد فیزیک شریف، در قم طلبه شده بود. من تا پایان دوره دانشگاهم (یعنی حدود ۶ سال) درباره این مسئله فکر کردم. خانواده من در ابتدا چندان همراه نبودند. ما دبیرستان مان (چه پدری و چه مادری) روحانی و طلبه‌نداشتیم و من اولین (و تا حال حاضر آخرین!) نفر هستم، بنابراین طبیعی بود که خانواده با کمی تعجب به این مسئله نگاه می‌کردند، و حتی فکر می‌کردند که شاید این به جوگیری‌های دوره نوجوانی و جوانی بازمی‌گردد. به‌ر حال در پایان دوره کارشناسی و پس از ازواج، بنا بر اهمیت بسیاری که برای معارف دین در تمدن‌سازی قائل بودم و نقش بی‌نظیری که اجتهاد دینی می‌تواند در نظریه‌پردازی‌های علوم انسانی داشته باشد، راهی حوزه علمیه شدم.

فیزیک و فقه

چار چوب فکری واحدی دارند

چطور بین چار چوب و منطق فکری فیزیک و درس‌هایی مثل فقه در حوزه هماهنگی ایجاد کردید؟

شاید مردم در ابتدا تصور کنند که چار چوب فکری فیزیک و درس‌هایی مثل فقه خیلی متفاوت است، اما از نظر من چار چوب فکری واحد و عقلانیت واحدی در فقه و فیزیک وجود دارد. در فقه شما به دنبال کشف شریعت از رهگذر نشانه‌ها هستید و در فیزیک به دنبال کشف طبیعت از طریق نشانه‌ها. شریعت و طبیعت هر دو فعل خداوند هستند. غربی‌ها مثلی دارند که با کمی تسامح می‌توان چنین ترجمه اش کرد: کتاب تکوین و کتاب تشریع. هم طبیعت آیه خداست و هم وحی منزل. نیوتن هم یک جمله معروفی دارد که می‌گوید: «من فرضیه نمی‌یافم». فقه هم دقیقاً همین منطق را دارد. شما در فقه حق ندارید از خودتان فرضیه بیا فید، بلکه باید به طریق معتبر و عقلانی اکتشاف کنید که تعالیم رسول خدا (ص) چه بوده است. بنابراین یک ساختار عقلانی واحد بین فقه و فیزیک وجود دارد و آن این است که: چگونه می‌توان به نحو



عقلانی و بر اساس نشانه‌ها، حقایق را کشف کرد؟

شناخت فیزیک به درک ما از اسلام کمک می‌کند

آیا تحصیلات حوزوی در ک شما از مفاهیم فیزیکی را عمیق تر کرده است؟

بله، شبکه شناختی انسان یک پیوستار است و تعمیق شناختی در یک شاخه می‌تواند بر شاخه‌های دیگر تأثیر بگذارد و ما می‌ایم اشاره کنم که این تأثیر دو جانبه است، یعنی هم در ک عمیق فیزیک می‌تواند بر فهم الهیاتی و فلسفی و دین‌شناسانه موثر واقع شود و هم بالعکس. شناخت فیزیک هم به درک ما از اسلام کمک می‌کند. مثلاً شما وقتی با نظریه نسبیت عام کیهان‌شناسی قرن بیستم آشنا باشید، آیه ۱۲۴ سوره انبیا را که در هم پیچیدن آسمان سخن می‌گوید با طنین متفاوتی خواهید شنید و حیرت خاصی از ظرافت‌های علمی قرآن کریم خواهید داشت.

در مسیر اقناع ژرف مخاطب

مهم‌ترین مزیت تلفیق فیزیک و طلبگی برای شما چه بوده است؟

بسیاری از مسائل هستند که برای حل آن‌ها نیاز به فیزیک و الهیات در کنار هم هست. مقصود از الهیات، معنایی بسیار وسیع است. ما وقتی از تمدن اسلامی سخن می‌گوییم یعنی یک سپهر فکری که در آن فهم آیات قرآن کریم در باره هستی و احادیث معتبر پیامبر (ص) از یک سو و علم روز و فناوری از سوی دیگر نقش آفرینی دارند. بسیاری از نخبگان و دانشگاهیان هستند که درباره نسبت معارف اسلام و علوم جدید بر سش‌هایی دارند و آشنایی با فیزیک در کنار آشنایی با معارف اسلام می‌تواند اقناع بهتر و ژرف‌تری را برای مخاطبان رقم بزند.

مناظره یک قالب یادگیری است

مناظره‌های علمی شما در فضای مجازی پر باز دید شده است؛ هدف تان از برگزاری این مناظره‌ها چیست؟

مناظره‌هایی که من تا کنون داشته‌ام بیشتر به درخواست جوانان و نخبگان بوده است. در عین حال سه عامل انگیز بخش برای من وجود داشته است: اول مناظره یک قالب یادگیری و آموختن است، یعنی از رهگذر گفت‌وگویی توانم مطالبی را یاد بگیرم. وقتی برای یک مناظره آماده می‌شوم و یاد خود مناظره، و با از کامنت‌هایی که مخاطبان و اندیشمندان بعداً روی بحث من گذارند، همه این‌ها زمینه یادگیری برای من است. دوم مناظره یک قالب خوب برای تبلیغ و گسترش ایده‌هاست، چرا که نقاط قوت و ضعف نظریه‌ها در مناظره‌ها بهتر می‌تواند خود را نشان بدهد و سوم استقبال مخاطبان و پیام‌های قدرشناسی که دریافت می‌کنم نشان می‌دهد که مطالب برای برخی از آن‌ها مفید بوده است و گره‌های ذهنی آن‌ها را گشوده است.

استدلال‌های اثبات وجود خدا

در بحث اثبات وجود خدا از کدام استدلال‌های فیزیکی بیشتر استفاده می‌کنید؟

من از سه جنبه از فیزیک برای اثبات وجود خداوند استفاده می‌کنم: یکی استدلال تنظیم ظرفیت که نشان می‌دهد پارامترهای بنیادین فیزیکی و همچنین شرایط اولیه کیهان به نحو حیرت‌انگیزی در یک تنظیم فوق ظرفیت برای امکان‌پذیری حیات قرار دارند، و این استدلالی است به سود خود طراح جهان، دوم استدلال کیهان‌شناختی کلام که از حدوث جهان و آغازمندی کیهان استفاده می‌کند و حدوث نیازمند ایجاد کننده است، و سوم اصل قانون‌مندی جهان و تبیین این که چرا جهان قانون‌مند است و چرا ریاضیات در توصیف جهان کاربردپذیر است خود دلیلی به سود توحید است. بر اساس دیدگاه‌های طبیعت‌گراییانه نمی‌توان توضیح داد که چرا جهان از قوانینی که به عنوان قوانین فیزیک می‌شناسیم پیروی می‌کند، اما بایک نگاه توحیدی می‌توان فهمید که چرا همه ذرات جهان از فرمان الهی و وحی تکوینی حق تعالی در آسمان‌ها و زمین تبعیت می‌کنند.

استقبال جامعه علمی از

مناظره‌ها

واکنش جامعه علمی و حوزوی به مناظره‌های شما چه بود؟

به لطف خداوند تا کنون استقبال گسترده خوبی درباره مناظره‌ها از سوی جامعه دانشگاهی و نخبگانی وجود داشته است. برخی اندیشمندان بنام و فیلسوفان دین هم نگاه مثبتی به مناظره‌ها